

اندونزی کشور بزرگی است. چهارمین کشور در دنیا از نظر جمعیت که امروزه (۲۰۰۱) ۲۲۷ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند. اندونزی بزرگ‌ترین کشور مسلمان است و در اهمیت روابط با آن برای اسرائیل شکی نیست. این کشور از یک دوره طولانی رژیم دیکتاتوری خارج شده که از زمان تأسیس آن، بعد از این‌که از استعمار هلند خارج شده، ادامه داشته است. «حمد سوکارنو»^(۱) حاکم مستبدی بود که بر این کشور حکومت می‌کرد تا این‌که در سال ۱۹۶۵، رژیم او توسط «ژنرال سوهارتو» سقوط کرد.^(۲) و این امر تا سال ۱۹۹۸ یک رژیم نظامی را بر کشور تحمیل کرد. تبدیل این رژیم به یک رژیم دموکراتیک برای اندونزی همراه با هرج‌ومرج و آشفتنگی‌های زیادی بوده؛ رئیس‌جمهور ویدیات عملا اولین حاکمی بود که با انتخابات کاملاً دموکراتیک انتخاب شد. خلع او در جولای سال ۲۰۰۱ و روی کار آوردن رئیس‌جمهور جدید، «گائوای سوکارنوپوتری»، دختر سوکارنو – اولین رئیس‌جمهور اندونزی پس از استقلال – نمونه حاکمیت پارلمان دموکراتیک در حیات سیاسی این کشور بزرگ است.

«امید و شکست» **خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمروی برای اسرائیل – ۱۰۷**

ابراز علاقه رئیس‌جمهور اندونزی به پیشبرد روابط با اسرائیل



در جلسه ملاقات، رئیس‌جمهور به من گفت که به پیشبرد روابط با اسرائیل علاقه‌مند شده است، از این جهت که می‌خواهد اسرائیل برای توسعه کشاورزی در کشورش و افزایش سرمایه‌گذاری در تکنولوژی به او کمک کند و به‌طور کلی می‌خواست که روابط تجاری بین دو کشور، از جمله در موضوعات امنیتی، گسترش پیدا کند و به این ترتیب، در ادامه بازدید از اندونزی، یک گروه از افسران عالی‌رتبه سیستم امنیتی اندونزی به‌عنوان مهمانان ما به اسرائیل آمدند. این هیئت در سیستم امنیتی اسرائیل مورد استقبال قرار گرفت و برایشان بازدیدی از تأسیسات نظامی اژت ترنیت داده شد. رئیس‌جمهور وحید برای آن‌که روابط اندونزی با اسرائیل به پلی برای تقویت روابط با ایالات متحده و افزایش تفاهم با واشنگتن تبدیل شود، رویکرد استراتژیک خود را پنهان نمی‌کرد.

به رئیس‌جمهور گفتم که من به‌عنوان یک بازرگان اسرائیلی آمادام تمام توانم را به کار گیرم تا به تحقق روند تقویت روابط بین دو کشور کمک کنم و البته که من وقتی از این جلسه بیرون آمدم، راضی و مصمم برای انجام این کار بودم. در ملاقات با رئیس‌جمهور وحید، «شاهزاده ولید کردی» – دایی عبدالله دوم، پادشاه اردن –

گذر بین اندونزی و اسرائیل باشد. دستیاران من با افراد ولید جلسه گذاشتند و مسیرهای گردشگری را برای اندونزیایی‌ها در اسرائیل و برای اسرائیلی‌ها در اندونزی آماده کردند. انتظار می‌رفت که هزاران زائر و گردشگر به هر دو طرف بیایند.

در این راستا، روابط تجاری بین دو کشور را توسعه دادیم، از جمله: خرید کاغذ روزنامه از اندونزی، تهیه زغال‌سنگ و ورود شرکت‌های فناوری پیشرفته اسرائیلی به بازار اندونزی. آینده این روابط روشن به نظر می‌آمد، اما وضعیت

هورش» از اندونزی در ژانویه ۲۰۰۱ ماهانگ شد. دو ماه قبل از این، شرکت بیمه «اشور» از گروه «هخشرت هایشو» توافق‌نامه‌ای با شرکت بیمه ملی اندونزی «بایسیندو» امضا کرده بود که بین آن، این دو شرکت به‌طور مشترک تجارت بقی دو کشور را تضمین می‌کردند. از طریق این کانال، بازدیدمدیرکل تنظیم شد و حتی نزد رئیس‌جمهور وحید هم پذیرفته شد.

هدف از این بازدید، برداشتن محدودیت‌ها در روابط تجاری بین این دو کشور بود که اندونزیایی‌ها

با مرحله اول آن موافقت کردند. علی‌رغم سختی‌ها، این گشایش مهم نتایجی در طول زمان به بار آورد. هنگامی که خشونت در منطقه ما جای خود را به ازسزگیری گفتوگوها بدهد، سیستم ارتباطی قوی که قبلاً ایجاد شده بود، دوباره باز خواهد گشت و نشانه‌هایش را در روابط بین دو کشور خواهد گذاشت و ما تا آن زمان همین حد محدود از روابط شخصی و تجاری ادامه‌دار با عوامل حکومتی، از جمله رئیس‌جمهور جدید و عوامل شخصی در زمینه اقتصادی را حفظ خواهیم کرد. پیمانی که در طول سالیان طولانی بین اندونزی و اسرائیل ایجاد شد و اکتبر ۱۹۹۳ در جریان ملاقات تاریخی نخست‌وزیر، اسحاق رابین، با رئیس‌جمهور اندونزی اعلام شد، پابرجاست و من خوشحالم که توانستم سهم خود را برای کمک به تقویت و تعالی آن ایفا کنم.

۱. م. تفکرات احمد سوکارنو ریشه در جهان‌بینی ضداستعماری او داشت. او و جمال عبدالناصر اسرائیل را نه‌تنها دشمن کشورهای عربی، بلکه بازمانده استعمار غرب می‌دانستند که می‌بایست در برابر آن ایستاد. اساس سیاست خارجی سوکارنو بر مبارزه با استعمار بنا شده بود. او به وجود آمدن اسرائیل در خاورمیانه را نتیجه عینی استعمار اروپا می‌دانست که با اشغال سرزمین فلسطین تحقق یافته بود. سوکارنو و عبدالناصر هر دو از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۶۱ بودند. اقدامات سوکارنو در مقابله با رژیم صهیونیستی فراتر از حوزه‌های سیاسی بود. برای مثال، می‌توان به کناره‌گیری تیم ملی فوتبال اندونزی از مسابقات انتخابی جام جهانی ۱۹۵۸ به دلیل عدم حضور در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد. در سال ۱۹۶۲ نیز دولت سوکارنو به ووزرشاران صهیونیست برای شرکت در بازی‌های آسیایی ویزا نداد. کمیته بین‌المللی المپیک به‌خاطر این اقدام، اندونزی را از المپیک ۱۹۶۴ محروم کرد.

در ۲۱ ژوئیه، ترامپ سخنرانی خود در مجمع را در سالن ملو از جمعیت کوپیکین لونز آرنا^(۱) در کلبولند^(۲) و در مقابل سی‌وپنج میلیون بیننده در سراسر کشور ایراد کرد. این ارتباطی قوی که قبلاً ایجاد شده بود، دوباره باز خواهد گشت و نشانه‌هایش را در روابط بین دو کشور خواهد گذاشت و ما تا آن زمان همین حد محدود از روابط شخصی و تجاری ادامه‌دار با عوامل حکومتی، از جمله رئیس‌جمهور جدید و عوامل شخصی در زمینه اقتصادی را حفظ خواهیم کرد. پیمانی که در طول سالیان طولانی بین اندونزی و اسرائیل ایجاد شد و اکتبر ۱۹۹۳ در جریان ملاقات تاریخی نخست‌وزیر، اسحاق رابین، با رئیس‌جمهور اندونزی اعلام شد، پابرجاست و من خوشحالم که توانستم سهم خود را برای کمک به تقویت و تعالی آن ایفا کنم.

۲. برخلاف روایت نیمروی، «حمد سوکارنو» به مقایسه با «ژنرال سوهارتو» بیشتر به‌عنوان پدر استقلال و پیشرفت اندونزی شناخته می‌شود. سوهارتو در سال ۱۹۶۵ با یک کودتا، به کمک دولت آمریکا و سازمان سیا، سر کار آمد. او بلافاصله دستور پاک‌سازی و قتل‌عام صادر کرد. طی حدود دو سال، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در اندونزی قتل‌عام و ده‌ها هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند. ۳. انتفاضه الاقصی به دلیل یورش آریل شارون، از رهبران صهیونیست، و طرفدارانش به همراه هزاران نیروی پلیس به محوطه مسجدالاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ رخ داد. خشم فلسطینیان از این اهانت به قیله نخست مسلمین، به اعتراض‌های گسترده منجر شد که تنها طی اعتراضات نمازگزاران در روز بعد، ۵ فلسطینی به شهادت رسیدند و غزه و کرانه باختری شاهد تظاهرات گسترده ضدصهیونیستی بود. با این حال، ریشه‌های این مسئله فراتر از یورش به مسجدالاقصی بود. شکست مذاکرات کمپ دیوید برای بازگشت اورگان فلسطینی به خانه، گسترش شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها در کرانه باختری و الهامبخش بودن شکست صهیونیست‌ها در جنوب لبنان و ترک این کشور در سال ۲۰۰۰، جلگلی از انگیزه‌های اصلی فلسطینیان برای خیزش علیه تجاوز صهیونیست‌ها در این راستا، روابط تجاری بین دو کشور را تضمین می‌کردند. از طریق این کانال، بازدیدمدیرکل تنظیم شد و حتی نزد رئیس‌جمهور وحید هم پذیرفته شد.

هدف از این بازدید، برداشتن محدودیت‌ها در روابط تجاری بین این دو کشور بود که اندونزیایی‌ها با مرحله اول آن موافقت کردند. علی‌رغم سختی‌ها، این گشایش مهم نتایجی در طول زمان به بار آورد. هنگامی که خشونت در منطقه ما جای خود را به ازسزگیری گفتوگوها بدهد، سیستم ارتباطی قوی که قبلاً ایجاد شده بود، دوباره باز خواهد گشت و نشانه‌هایش را در روابط بین دو کشور خواهد گذاشت و ما تا آن زمان همین حد محدود از روابط شخصی و تجاری ادامه‌دار با عوامل حکومتی، از جمله رئیس‌جمهور جدید و عوامل شخصی در زمینه اقتصادی را حفظ خواهیم کرد. پیمانی که در طول سالیان طولانی بین اندونزی و اسرائیل ایجاد شد و اکتبر ۱۹۹۳ در جریان ملاقات تاریخی نخست‌وزیر، اسحاق رابین، با رئیس‌جمهور اندونزی اعلام شد، پابرجاست و من خوشحالم که توانستم سهم خود را برای کمک به تقویت و تعالی آن ایفا کنم.

دارم، اما او انرژی مورد نیاز ما را ندارد.» ترامپ به استیو بنن^(۳) اشاره کرد و از من خواست که او را به روی کار بیاورم. بنن ریاست اجرایی شبکه خبری بریت‌ارت^(۴) را بر عهده داشت؛ بریت‌نارت یک خبرگزاری نزدیک به پایگاه محافظه‌کاران ضدتشیکیلات ترامپ بود. او که افسر سابق نیروی دریایی، دانش‌موخته مدرسه بازرگانی هاروارد^(۵) و بانکدار گلدمن ساکس^(۶) بود، توسط ربکا مرس^(۷)، ختبر جمهوری‌خواه، برای این

خاطرات «جرد کوشر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا – ۲۷

سخنرانی در برابر ۳۵ میلیون بیننده

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان



شغل توصیه شد. بنن در شصت‌وسه‌سالگی، چهره سیاسی نامتعارفی را از خود ساخته بود. او بدخلق و نامرتب بود، با یک تیریش دائمی، و هرگز رهبری مبارزات انتخاباتی را بر عهده نداشت. وقتی با بنن تماس گرفتم تا او را برای پیوستن به تیم دعوت کنم، او با صراحت منصرف‌رغد خود پاسخ داد: «من نمی‌خواهم به کشتنی در حال غرق‌شدن بیپوندم. شما یک کاندیدی‌ای بی‌انضباط دارید. شما هیچ کارکردی ندارید.»

جولی او درآمد و گفتم: «این فرصت بسیار بهتر از آن چیزی است که فکر می‌کنید. کمیته ملی جمهوری‌خواهان»^(۸) طراحی بازی خوبی دارد که ما در حال ادغام آن با عملیات میدانی خود هستیم.

من به‌تازگی جیسون میلر^(۹)، یک متخصص ارتباطات با تجربه کمپین گسترده را استخدام کردم تا پیام‌رسانی ما را مدیریت کند و تیم مطبوعاتی ما را تقویت کند، و ما یک عملیات داده دیجیتال پیچیده برپه‌رفته داریم که من آن را مانند یک استارت‌آپ ساختم – شما تاکنون در مورد آن چیزی نشنیده‌اید، زیرا افرادی که آن را اداره می‌کنند سیاسی نیستند.»

من به ترامپ گزارش دادم که با بنن قراردادی بسته‌ام تا او مدیر اجرایی کمپین انتخاباتی شود و به او توصیه کردم که کلیان کانوس^(۱۰) را به عنوان مدیر کمپین ترفیع دهد. من حدود یک

به شهادت می‌رسند، نمی‌گذاریم. ما به خانواده آنها اضافه بر توجه همیشگی و معروف بنیادهای شهید که در لبنان فعالیت دارند، اهتمام و توجه داریم. حزب‌الله علاوه‌بر اهتمام و توجه بنیاد شهید، از سال‌های قبل، شهید سیدعباس برنامه‌هایی را برای تأمین منابع برای همه خانواده‌های شهیدآ آغاز کرد. یعنی ما هر همسر شهیدی را که چند فرزند هم دارد، رها نمی‌کنیم و تلاش می‌کنیم برایش منزلی تهیه کنیم. مثلاً اگر شهیدی در زمان حیات خود، شروع به ساخت منزلی کرده باشد، خانواده او را در اتمام بنا کمک می‌کنیم و با اگر خانواده‌اش تکه زمینی داشته باشد، آنها را در ساخت منزل بر روی این زمین کمک می‌کنیم. در مورد برخی خانواده‌های شهید، برای‌شان خانه‌هایی در بناهای موجود می‌خریم و با آنها همکاری و همیاری می‌کنیم. الحمدلله درحال حاضر درصد بسیاری از خانواده‌های شهدا– همسران و فرزندان– در خانه‌هایی سکونت دارند که مالک آن هستند. همواره وقتی کسی به شهادت می‌رسد، ما به این موضوع اهتمام و توجه می‌کنیم؛ یعنی از هدایا، وجوه شرعی و از برخی کمک‌هایی که از ایران برای ما می‌آید، در

به‌طور کلی در مورد شهیدان، ما فرقی میان شهادت‌طلبان یا شهدایی که در عملیات به شهادت می‌رسند، نمی‌گذاریم. ما به خانواده آنها اضافه‌بر توجه همیشگی و معروف بنیادهای شهید که در لبنان فعالیت دارند، اهتمام و توجه داریم. حزب‌الله علاوه بر اهتمام و توجه بنیاد شهید، از سال‌های قبل، شهید سیدعباس برنامه‌هایی را برای تأمین منزل برای همه خانواده‌های شهدا آغاز کرد. یعنی ما هر همسر شهیدی را که چند فرزند هم دارد، رها نمی‌کنیم و تلاش می‌کنیم برایش منزلی تهیه کنیم.

من این نامه‌ها را به او می‌دهم. او با این برادران تماس می‌گیرد و با آنها می‌نشیند و شروع به ارتباط با آنها می‌کند و در پی آن برنامه‌هایی که از آنها صحبت کردم، انجام می‌شود. تا به حال به‌خاطر ندارم از خواهران از این نامه‌ها رسیده باشند، اما تعدادی از خواهران مستقیماً با خود من صحبت کرده‌اند. ما چه قبلاً و چه در مجالس عمومی، به آنها گفته‌ایم که این باب برای زنان بسته است. آنها هم چیزی نمی‌نویسند تا امتحانی بکنند. یعنی مأیوس شده‌اند. از خارج نامه‌ای به اینـ منضمون به من نرسیده است. اما این برادران با نمایندگان ما در خارج با برخی دوستان صحبت می‌کنند که آنها هم آن را به ما منتقل می‌کنند. برخی افراد دیگر هم از خارج آمدند و مستقیماً ما به ملاقات نمودند و درخواست کردند، که ما به آنها گفتیم در حال حاضر مدعوئیم. به‌طور کلی در مورد شهیدان، ما فرقی میان شهادت‌طلبان یا شهدایی که در عملیات

ماه قبل کانوی را به‌عنوان مشاور نظرسنجی برای کمک به شبکه پیام‌رسانی‌مان استخدام کرده بودم. در حالی که ترامپ در ابتدا برای استخدام او مردد بود، با توجه به تمام چیزهای منفی که در مورد ترامپ در زمانی که برای تد کروز کار می‌کرد، گفته بود، از مهارت کانوی در دفاع از کمپین خود در تلویزیون قدرانی کرد. او باید به عنوان اولین زن مدیر مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری جمهوری‌خواهان تاریخ‌سازی می‌کرد. ترامپ این طرح را امضا کرد، اما مانافورت همچنان از نظر فنی رئیس کمپین انتخاباتی بود.

اوایل صبح ۴ ۱۹ اوت، ترامپ با من تماس گرفت و خواست تا مانع خالالت مانافورت در کمپین انتخاباتی شوم. داستان دیگری در مورد معاملات مهم با اوکران افشا شد. من در ساعت هشت صبح همان روز در کاپریانی^(۱۱) در خیابان پنجم، که یک رستوران ایتالیایی چوبی در روسفروی پارک مرکزی بود، برای صبحانه مانافورت را ملاقات کردم. من مانافورت گفتم: «هن از انجام این کار متنفرم، زیرا به همکاری با یکدیگر علیه آزادی دارم و از کمک‌های شگفت‌انگیز شما قدردانی می‌کنم، اما زمان آن است که تغییری ایجاد کنیم.» او شوکه شد. «باشه، متوجه شدم، اجازه دهید یک هفته فرصت داشته باشم تا این موضوع را بفهمم.»

گفتم: «کاش می‌توانستم یک هفته به شما فرصت بدهم، اما این باید امروز انجام شود. من پیش‌نویس بیانیهای را دارم که از سخات شما تشکر می‌کند. ترامپ ساعت دهنیم صبح امروز وارد لویزیانا می‌شود و می‌خواهد اخبار را پشاپیش داشته باشد.»

مانافورت عصبانی بود، اما مانند یک جنتملن آن را پذیرفت. ما به سنسند انتخاباتی بازگشتیم، جایی که او بیانیه را امضا کرد و آن را درست قبل از فرود ترامپ در فرودگاه‌منتشر کردیم. مانافورت وسایل را جمع کرد و رفت. در حالی که تنها هشتاد و یک روز بین ما و روز انتخابات فاصله وجود داشت، حرکت نهایی تا پایان آغاز شده بود.

پانوشته‌ها:

۱. Quicken Loans Arena
۲. Cleveland
۳. CNN
۴. Steve Bannon
۵. Breitbart News Network
۶. Harvard Business School
۷. Goldman Sachs bank
۸. Rebekah Mercer
۹. RNC کمیته ملی جمهوری‌خواه یک کمیته سیاسی ایالات متحده است که به حزب جمهوری‌خواه ایالات متحده کمک می‌کند این سازمان مسئول توسعه و ترویج نام تجاری و پلتفرم سیاسی جمهوری‌خواه و همچنین کمک به جمع‌آوری کمک‌های مالی و استراتژی انتخابات است.
۱۰. Jason Miller
۱۱. Kellyanne Conway
۱۲. Cipriani

دیدار آقا

این‌که شهدای استشهادی قبل از عملیات به دیدار مقام معظم رهبری بروند، به این عنوان که می‌خواهند عملیات شهادت‌طلبانه انجام بدهند نمی‌روند؛ اما معمولاً برادرانی که به ایران می‌روند، از رزمندگان هستند. الحمدلله در دفتر حضرت سید قائد بر ما اسان می‌گیرند. اغلب مجاهدینی که به ایران رفته‌اند، به نماز در پشت سید قائد در یک اتاق و دست‌بوسی و التماس دعا از ایشان مشرف شده‌اند. تا الان اتفاق نرفته‌اند کسی را که می‌خواهد عملیات استشهادی انجام دهد، به آقا بگویند که این قرار است عملیات استشهادی انجام دهد.

کمشن عملیات

این‌که چرا عملیات شهادت‌طلبانه کمتر انجام می‌شود، این قضیه مرتبط به چندین دلیل است و یکی از آنها فراهم آوردن هدف است. یعنی الان اگر در جایی سه صهیونیست حضور داشته باشند، من یک شهادت‌طلب نمی‌فرستم تا این سه صهیونیست را بکشد. احیاناً به وقت طولانی نیازمندیم تا اهدافی را بایبیم که توانایی حضرت سید قائد داریم. الان به من گفته می‌شود که هزاران منزل در جایی دور، پنجاه نفر وجود دارند اما من نمی‌توانم ماشینی را به آن‌جا برسانم، برای این‌که مشکلات و زحمات میدانی وجود دارد.

روحانیون در جبهه‌ها

از روحانیون و طلاب هم در عملیات داریم که تعدادی از آنها هم به شهادت رسیده‌اند. برای انجام عملیات شهادت‌طلبانه هم تعدادی از روحانیون معمم از من درخواست کردند که در آن عملیات شهادت‌طلبانه انجام دهند و در آن شرکت کنند، اما تا به حال نوبت آنها نرسیده است ولی به هر حال این‌ها هم هستند.

در حقیقت مسئله‌ای وجود دارد که ما در مورد آن توضیح خواهیم خواست. یعنی الان فقط مشکل روحانیون نیست و تعداد زیادی از اینـ کادرها تاریخ‌کاری و انرژی و قوت بسیاری‌شان سپری شده است، به ما ملحق می‌شوند تا عملیات شهادت‌طلبانه انجام دهند. ما به آنها اجازه کار را نمی‌دهیم. من برایم واضح نیست آیا صحبت است که برخی کادرها و روحانیون ما درحالی‌که علم و تخصص و تجربه بسیاری ندارد، گر چه ایمانش خیلی بیشتر از ماست، آیا این فرماندهان و عالمان و کادرها را برای اجرای عملیات شهادت‌طلبانه بفرستیم در حالی که جوان نوزده– بیست ساله با انرژی و قدرت معین، حتی از حیث ظاهر، می‌توانند این کار را انجام دهند. این برای من روشن نیست که این کار به صلاح است یا نه. البته اصرار شدیدی وجود دارد. در آخر از مسئولین رده‌بالای حزب‌الله هستند که به‌شدت اصرار دارند که ما به آنها اجازه بدهیم برای عملیات بروند، ولی ما به آنها اجازه نمی‌دهیم.

پاورقی

Research@kayhan.ir

در جلسه ملاقات، رئیس‌جمهور به من گفت که به پیشبرد روابط با اسرائیل علاقه‌مند شده است، از این جهت که می‌خواهد اسرائیل برای توسعه کشاورزی در کشورش و افزایش سرمایه‌گذاری در تکنولوژی به او کمک کند و به‌طور کلی می‌خواست که روابط تجاری بین دو کشور، از جمله در موضوعات امنیتی، گسترش پیدا کند و به این ترتیب، در ادامه بازدید از اندونزی، یک گروه از افسران عالی‌رتبه سیستم امنیتی اندونزی به‌عنوان مهمانان ما به اسرائیل آمدند.

نیز شرکت داشت. او در تدارک این ملاقات به من کمک کرد. بعد از آن، با ولید کردی جلسه‌ای داشتیم و توافق کردیم اقداماتی برای اجرای طرح گردشگری انجام دهیم. ولید چند آژانس مسافری در اردن داشت و من نیز چند آژانس مسافرتی به اسم «زیارت» در اسرائیل داشتم. با هم به نزد رئیس شرکت هواپیمایی ملی اندونزی، «گارودا»، رفته و با او در مورد افتتاح یک خط هوایی بین جاکارتا و امان صحبت کردیم. اردن قرار بود مسیر

گذر بین اندونزی و اسرائیل باشد. دستیاران من با افراد ولید جلسه گذاشتند و مسیرهای گردشگری را برای اندونزیایی‌ها در اسرائیل و برای اسرائیلی‌ها در اندونزی آماده کردند. انتظار می‌رفت که هزاران زائر و گردشگر به هر دو طرف بیایند.

در این راستا، روابط تجاری بین دو کشور را توسعه دادیم، از جمله: خرید کاغذ روزنامه از اندونزی، تهیه زغال‌سنگ و ورود شرکت‌های فناوری پیشرفته اسرائیلی به بازار اندونزی. آینده این روابط روشن به نظر می‌آمد، اما وضعیت

هورش» از اندونزی در ژانویه ۲۰۰۱ ماهانگ شد. دو ماه قبل از این، شرکت بیمه «اشور» از گروه «هخشرت هایشو» توافق‌نامه‌ای با شرکت بیمه ملی اندونزی «بایسیندو» امضا کرده بود که بین آن، این دو شرکت به‌طور مشترک تجارت بقی دو کشور را تضمین می‌کردند. از طریق این کانال، بازدیدمدیرکل تنظیم شد و حتی نزد رئیس‌جمهور وحید هم پذیرفته شد.

هدف از این بازدید، برداشتن محدودیت‌ها در روابط تجاری بین این دو کشور بود که اندونزیایی‌ها

با مرحله اول آن موافقت کردند. علی‌رغم سختی‌ها، این گشایش مهم نتایجی در طول زمان به بار آورد. هنگامی که خشونت در منطقه ما جای خود را به ازسزگیری گفتوگوها بدهد، سیستم ارتباطی قوی که قبلاً ایجاد شده بود، دوباره باز خواهد گشت و نشانه‌هایش را در روابط بین دو کشور خواهد گذاشت و ما تا آن زمان همین حد محدود از روابط شخصی و تجاری ادامه‌دار با عوامل حکومتی، از جمله رئیس‌جمهور جدید و عوامل شخصی در زمینه اقتصادی را حفظ خواهیم کرد. پیمانی که در طول سالیان طولانی بین اندونزی و اسرائیل ایجاد شد و اکتبر ۱۹۹۳ در جریان ملاقات تاریخی نخست‌وزیر، اسحاق رابین، با رئیس‌جمهور اندونزی اعلام شد، پابرجاست و من خوشحالم که توانستم سهم خود را برای کمک به تقویت و تعالی آن ایفا کنم.

۱. م. تفکرات احمد سوکارنو ریشه در جهان‌بینی ضداستعماری او داشت. او و جمال عبدالناصر اسرائیل را نه‌تنها دشمن کشورهای عربی، بلکه بازمانده استعمار غرب می‌دانستند که می‌بایست در برابر آن ایستاد. اساس سیاست خارجی سوکارنو بر مبارزه با استعمار بنا شده بود. او به وجود آمدن اسرائیل در خاورمیانه را نتیجه عینی استعمار اروپا می‌دانست که با اشغال سرزمین فلسطین تحقق یافته بود. سوکارنو و عبدالناصر هر دو از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۶۱ بودند. اقدامات سوکارنو در مقابله با رژیم صهیونیستی فراتر از حوزه‌های سیاسی بود. برای مثال، می‌توان به کناره‌گیری تیم ملی فوتبال اندونزی از مسابقات انتخابی جام جهانی ۱۹۵۸ به دلیل عدم حضور در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد. در سال ۱۹۶۲ نیز دولت سوکارنو به ووزرشاران صهیونیست برای شرکت در بازی‌های آسیایی ویزا نداد. کمیته بین‌المللی المپیک به‌خاطر این اقدام، اندونزی را از المپیک ۱۹۶۴ محروم کرد.

۲. برخلاف روایت نیمروی، «حمد سوکارنو» به مقایسه با «ژنرال سوهارتو» بیشتر به‌عنوان پدر استقلال و پیشرفت اندونزی شناخته می‌شود. سوهارتو در سال ۱۹۶۵ با یک کودتا، به کمک دولت آمریکا و سازمان سیا، سر کار آمد. او بلافاصله دستور پاک‌سازی و قتل‌عام صادر کرد. طی حدود دو سال، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در اندونزی قتل‌عام و ده‌ها هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند. ۳. انتفاضه الاقصی به دلیل یورش آریل شارون، از رهبران صهیونیست، و طرفدارانش به همراه هزاران نیروی پلیس به محوطه مسجدالاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ رخ داد. خشم فلسطینیان از این اهانت به قیله نخست مسلمین، به اعتراض‌های گسترده منجر شد که تنها طی اعتراضات نمازگزاران در روز بعد، ۵ فلسطینی به شهادت رسیدند و غزه و کرانه باختری شاهد تظاهرات گسترده ضدصهیونیستی بود. با این حال، ریشه‌های این مسئله فراتر از یورش به مسجدالاقصی بود. شکست مذاکرات کمپ دیوید برای بازگشت اورگان فلسطینی به خانه، گسترش شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها در کرانه باختری و الهامبخش بودن شکست صهیونیست‌ها در جنوب لبنان و ترک این کشور در سال ۲۰۰۰، جلگلی از انگیزه‌های اصلی فلسطینیان برای خیزش علیه تجاوز صهیونیست‌ها در این راستا، روابط تجاری بین دو کشور را تضمین می‌کردند. از طریق این کانال، بازدیدمدیرکل تنظیم شد و حتی نزد رئیس‌جمهور وحید هم پذیرفته شد.

هدف از این بازدید، برداشتن محدودیت‌ها در روابط تجاری بین این دو کشور بود که اندونزیایی‌ها

با مرحله اول آن موافقت کردند. علی‌رغم سختی‌ها، این گشایش مهم نتایجی در طول زمان به بار آورد. هنگامی که خشونت در منطقه ما جای خود را به ازسزگیری گفتوگوها بدهد، سیستم ارتباطی قوی که قبلاً ایجاد شده بود، دوباره باز خواهد گشت و نشانه‌هایش را در روابط بین دو کشور خواهد گذاشت و ما تا آن زمان همین حد محدود از روابط شخصی و تجاری ادامه‌دار با عوامل حکومتی، از جمله رئیس‌جمهور جدید و عوامل شخصی در زمینه اقتصادی را حفظ خواهیم کرد. پیمانی که در طول سالیان طولانی بین اندونزی و اسرائیل ایجاد شد و اکتبر ۱۹۹۳ در جریان ملاقات تاریخی نخست‌وزیر، اسحاق رابین، با رئیس‌جمهور اندونزی اعلام شد، پابرجاست و من خوشحالم که توانستم سهم خود را برای کمک به تقویت و تعالی آن ایفا کنم.

۱. م. تفکرات احمد سوکارنو ریشه در جهان‌بینی ضداستعماری او داشت. او و جمال عبدالناصر اسرائیل را نه‌تنها دشمن کشورهای عربی، بلکه بازمانده استعمار غرب می‌دانستند که می‌بایست در برابر آن ایستاد. اساس سیاست خارجی سوکارنو بر مبارزه با استعمار بنا شده بود. او به وجود آمدن اسرائیل در خاورمیانه را نتیجه عینی استعمار اروپا می‌دانست که با اشغال سرزمین فلسطین تحقق یافته بود. سوکارنو و عبدالناصر هر دو از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۶۱ بودند. اقدامات سوکارنو در مقابله با رژیم صهیونیستی فراتر از حوزه‌های سیاسی بود. برای مثال، می‌توان به کناره‌گیری تیم ملی فوتبال اندونزی از مسابقات انتخابی جام جهانی ۱۹۵۸ به دلیل عدم حضور در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد. در سال ۱۹۶۲ نیز دولت سوکارنو به ووزرشاران صهیونیست برای شرکت در بازی‌های آسیایی ویزا نداد. کمیته بین‌المللی المپیک به‌خاطر این اقدام، اندونزی را از المپیک ۱۹۶۴ محروم کرد.

۲. برخلاف روایت نیمروی، «حمد سوکارنو» به مقایسه با «ژنرال سوهارتو» بیشتر به‌عنوان پدر استقلال و پیشرفت اندونزی شناخته می‌شود. سوهارتو در سال ۱۹۶۵ با یک کودتا، به کمک دولت آمریکا و سازمان سیا، سر کار آمد. او بلافاصله دستور پاک‌سازی و قتل‌عام صادر کرد. طی حدود دو سال، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در اندونزی قتل‌عام و ده‌ها هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند. ۳. انتفاضه الاقصی به دلیل یورش آریل شارون، از رهبران صهیونیست، و طرفدارانش به همراه هزاران نیروی پلیس به محوطه مسجدالاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ رخ داد. خشم فلسطینیان از این اهانت به قیله نخست مسلمین، به اعتراض‌های گسترده منجر شد که تنها طی اعتراضات نمازگزاران در روز بعد، ۵ فلسطینی به شهادت رسیدند و غزه و کرانه باختری شاهد تظاهرات گسترده ضدصهیونیستی بود. با این حال، ریشه‌های این مسئله فراتر از یورش به مسجدالاقصی بود. شکست مذاکرات کمپ دیوید برای بازگشت اورگان فلسطینی به خانه، گسترش شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها در کرانه باختری و الهامبخش بودن شکست صهیونیست‌ها در جنوب لبنان و ترک این کشور در سال ۲۰۰۰، جلگلی از انگیزه‌های اصلی فلسطینیان برای خیزش علیه تجاوز صهیونیست‌ها در این راستا، روابط تجاری بین دو کشور را تضمین می‌کردند. از طریق این کانال، بازدیدمدیرکل تنظیم شد و حتی نزد رئیس‌جمهور وحید هم پذیرفته شد.

هدف از این بازدید، برداشتن محدودیت‌ها در روابط تجاری بین این دو کشور بود که اندونزیایی‌ها

با مرحله اول آن موافقت کردند. علی‌رغم سختی‌ها، این گشایش مهم نتایجی در طول زمان به بار آورد. هنگامی که خشونت در منطقه ما جای خود را به ازسزگیری گفتوگوها بدهد، سیستم ارتباطی قوی که قبلاً ایجاد شده بود، دوباره باز خواهد گشت و نشانه‌هایش را در روابط بین دو کشور خواهد گذاشت و ما تا آن زمان همین حد محدود از روابط شخصی و تجاری ادامه‌دار با عوامل حکومتی، از جمله رئیس‌جمهور جدید و عوامل شخصی در زمینه اقتصادی را حفظ خواهیم کرد. پیمانی که در طول سالیان طولانی بین اندونزی و اسرائیل ایجاد شد و اکتبر ۱۹۹۳ در جریان ملاقات تاریخی نخست‌وزیر، اسحاق رابین، با رئیس‌جمهور اندونزی اعلام شد، پابرجاست و من خوشحالم که توانستم سهم خود را برای کمک به تقویت و تعالی آن ایفا کنم.

۱. م. تفکرات احمد سوکارنو ریشه در جهان‌بینی ضداستعماری او داشت. او و جمال عبدالناصر اسرائیل را نه‌تنها دشمن کشورهای عربی، بلکه بازمانده استعمار غرب می‌دانستند که می‌بایست در برابر آن ایستاد. اساس سیاست خارجی سوکارنو بر مبارزه با استعمار بنا شده بود. او به وجود آمدن اسرائیل در خاورمیانه را نتیجه عینی استعمار اروپا می‌دانست که با اشغال سرزمین فلسطین تحقق یافته بود. سوکارنو و عبدالناصر هر دو از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۶۱ بودند. اقدامات سوکارنو در مقابله با رژیم صهیونیستی فراتر از حوزه‌های سیاسی بود. برای مثال، می‌توان به کناره‌گیری تیم ملی فوتبال اندونزی از مسابقات انتخابی جام جهانی ۱۹۵۸ به دلیل عدم حضور در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد. در سال ۱۹۶۲ نیز دولت سوکارنو به ووزرشاران صهیونیست برای شرکت در بازی‌های آسیایی ویزا نداد. کمیته بین‌المللی المپیک به‌خاطر این اقدام، اندونزی را از المپیک ۱۹۶۴ محروم کرد.

۲. برخلاف روایت نیمروی، «حمد سوکارنو» به مقایسه با «ژنرال سوهارتو» بیشتر به‌عنوان پدر استقلال و پیشرفت اندونزی شناخته می‌شود. سوهارتو در سال ۱۹۶۵ با یک کودتا، به کمک دولت آمریکا و سازمان سیا، سر کار آمد. او بلافاصله دستور پاک‌سازی و قتل‌عام صادر کرد. طی حدود دو سال، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در اندونزی قتل‌عام و ده‌ها هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند. ۳. انتفاضه الاقصی به دلیل یورش آریل شارون، از رهبران صهیونیست، و طرفدارانش به همراه هزاران نیروی پلیس به محوطه مسجدالاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ رخ داد. خشم فلسطینیان از این اهانت به قیله نخست مسلمین، به اعتراض‌های گسترده منجر شد که تنها طی اعتراضات نمازگزاران در روز بعد، ۵ فلسطینی به شهادت رسیدند و غزه و کرانه باختری شاهد تظاهرات گسترده ضدصهیونیستی بود. با این حال، ریشه‌های این مسئله فراتر از یورش به مسجدالاقصی بود. شکست مذاکرات کمپ دیوید برای بازگشت اورگان فلسطینی به خانه، گسترش شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها در کرانه باختری و الهامبخش بودن شکست صهیونیست‌ها در جنوب لبنان و ترک این کشور در سال ۲۰۰۰، جلگلی از انگیزه‌های اصلی فلسطینیان برای خیزش علیه تجاوز صهیونیست‌ها در این راستا، روابط تجاری بین دو کشور را تضمین می‌کردند. از طریق این کانال، بازدیدمدیرکل تنظیم شد و حتی نزد رئیس‌جمهور وحید هم پذیرفته شد.

هدف از این بازدید، برداشتن محدودیت‌ها در روابط تجاری بین این دو کشور بود که اندونزیایی‌ها

با مرحله اول آن موافقت کردند. علی‌رغم سختی‌ها، این گشایش مهم نتایجی در طول زمان به بار آورد. هنگامی که خشونت در منطقه ما جای خود را به ازسزگیری گفتوگوها بدهد، سیستم ارتباطی قوی که قبلاً ایجاد شده بود، دوباره باز خواهد گشت و نشانه‌هایش را در روابط بین دو کشور خواهد گذاشت و ما تا آن زمان همین حد محدود از روابط شخصی و تجاری ادامه‌دار با عوامل حکومتی، از جمله رئیس‌جمهور جدید و عوامل شخصی در زمینه اقتصادی را حفظ خواهیم کرد. پیمانی که در طول سالیان طولانی بین اندونزی و اسرائیل ایجاد شد و اکتبر ۱۹۹۳ در جریان ملاقات تاریخی نخست‌وزیر، اسحاق رابین، با رئیس‌جمهور اندونزی اعلام شد، پابرجاست و من خوشحالم که توانستم سهم خود را برای کمک به تقویت و تعالی آن ایفا کنم.

۱. م. تفکرات احمد سوکارنو ریشه در جهان‌بینی ضداستعماری او داشت. او و جمال عبدالناصر اسرائیل را نه‌تنها دشمن کشورهای عربی، بلکه بازمانده استعمار غرب می‌دانستند که می‌بایست در برابر آن ایستاد. اساس سیاست خارجی سوکارنو بر مبارزه با استعمار بنا شده بود. او به وجود آمدن اسرائیل در خاورمیانه را نتیجه عینی استعمار اروپا می‌دانست که با اشغال سرزمین فلسطین تحقق یافته بود. سوکارنو و عبدالناصر هر دو از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۶۱ بودند. اقدامات سوکارنو در مقابله با رژیم صهیونیستی فراتر از حوزه‌های سیاسی بود. برای مثال، می‌توان به کناره‌گیری تیم ملی فوتبال اندونزی از مسابقات انتخابی جام جهانی ۱۹۵۸ به دلیل عدم حضور در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد. در سال ۱۹۶۲ نیز دولت سوکارنو به ووزرشاران صهیونیست برای شرکت در بازی‌های آسیایی ویزا نداد. کمیته بین‌المللی المپیک به‌خاطر این اقدام، اندونزی را از المپیک ۱۹۶۴ محروم کرد.

۲. برخلاف روایت نیمروی، «حمد سوکارنو» به مقایسه با «ژنرال سوهارتو» بیشتر به‌عنوان پدر استقلال و پیشرفت اندونزی شناخته می‌شود. سوهارتو در سال ۱۹۶۵ با یک کودتا، به کمک دولت آمریکا و سازمان سیا، سر کار آمد. او بلافاصله دستور پاک‌سازی و قتل‌عام صادر کرد. طی حدود دو سال، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در اندونزی قتل‌عام و ده‌ها هزار نفر دستگیر و روانه زندان شدند. ۳. انتفاضه الاقصی به دلیل یورش آریل شارون، از رهبران صهیونیست، و طرفدارانش به همراه هزاران نیروی پلیس به محوطه مسجدالاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ رخ داد. خشم فلسطینیان از این اهانت به قیله نخست مسلمین، به اعتراض‌های گسترده منجر شد که تنها طی اعتراضات نمازگزاران در روز بعد، ۵ فلسطینی به شهادت رسیدند و غزه و کرانه باختری شاهد تظاهرات گسترده ضدصهیونیستی بود. با این حال، ریشه‌های این مسئله فراتر از یورش به مسجدالاقصی بود. شکست مذاکرات کمپ دیوید برای بازگشت اورگان فلسطینی به خانه، گسترش شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها در کرانه باختری و الهامبخش بودن شکست صهیونیست‌ها در جنوب لبنان و ترک این کشور در سال ۲۰۰۰، جلگلی از انگیزه‌های اصلی فلسطینیان برای خیزش علیه تجاوز صهیونیست‌ها در این راستا، روابط تجاری بین دو کشور را تضمین می‌کردند. از طریق این کانال، بازدیدمدیرکل تنظیم شد و حتی نزد رئیس‌جمهور وحید هم پذیرفته شد.

هدف از این بازدید، برداشتن محدودیت‌ها در روابط تجاری بین این دو کشور بود که اندونزیایی‌ها

با مرحله اول آن موافقت کردند. علی‌رغم سختی‌ها، این گشایش مهم نتایجی در طول زمان به بار آورد. هنگامی که خشونت در منطقه ما جای خود را به ازسزگیری